

جنگ دلار بر علیه یورو

دولت های آمریکا و انگلستان جنگ خانمانسوزی را بر علیه مردم بی دفاع عراق تحت عنوان جنگ برای پیدا کردن سلاحهای کشتار جمعی برانداختند، جنگی که توسط قریب به اتفاق مردم و دولتهای جهان بطور ضمنی یا آشکار محکوم شد. میلیونها انسان صلح دوست در سراسر جهان به خیابانها آمدند و اعتراض و نفرت بی کران خود را بر علیه جنگ در صفهای فشرده بگوش جهانیان رساندند. ولی متأسفانه هیئت حاکمه آمریکا و انگلستان وقتی به اعتراضات مردم جهان نداده و جنگ خود را بر علیه مردم بی دفاع عراق در تاریخ ۱۹ مارس ۲۰۰۳ با وارد شدن به خاک عراق آغاز کردند.

همگی بیاد میاوریم که در روزهای قبل از آغاز جنگ و هنگامی که آمریکا مذبذبهانه سعی داشت که به طریقی سازمان ملل را متقاعد کند که مهر تأیید بر جنگ افروزی او بزند، حرف از خلع سلاح عراق و نابود کردن سلاحهای کشتار جمعی عراق میزد ولی بمرور زمان علت شروع جنگ تغییر کرد و تبدیل به آزادی سازی مردم عراق از دست رژیم دیکتاتوری صدام حسین گردید. واقعیت اینست که دولت آمریکا از مدتها پیش تصمیم حمله و اشغال عراق را گرفته بود و آمدن به سازمان ملل و تصویب قطعنامه ۱۴۴۱ و کشمکشهای بعدی صرفاً بخاطر گرفتن مهر تأیید سازمان ملل برای حمله به عراق بود. سؤال اینست که چرا و بچه علت آمریکا تصمیم حمله به عراق را گرفت؟ جوابهای متعددی از جمله پیاده کردن دکترین جدید بوش و دستیابی به ذخایر غنی نفت عراق داده شده است که میتواند جوابهای درستی باشد. ولی علت واقعی که حکومتگران آمریکا را وادار به حمله به عراق کرد جای دیگر نهفته است.

عوامل اصلی حمله به عراق را میتوان بصورت زیر بیان نمود:

۱- جلوگیری از سقوط دلار در برابر یورو

۲- در هم شکستن کارتل اوپک

جلوگیری از سقوط دلار در برابر یورو

در حال حاضر دلار آمریکا یکی از قویترین پولهای جهان بشمار میرود. در تعریفهای کلاسیک اقتصادی ارزش پول هر کشور مستقیماً به وضع اقتصادی و تولیدات آن کشور بستگی دارد، با در نظر گرفتن این واقعیت این سؤال در ذهن قوت می گیرد که آیا قوی بودن ارزش دلار آمریکا دال بر وضع اقتصادی خوب و تولیدات بسیار بالای آمریکا است؟ با نگاهی اجمالی به چند امار اقتصادی پی میبریم که وضع اقتصادی آمریکا هیچ ارتباطی با ارزش بالای دلار ندارد. ندارد که هیچ بلکه آمریکا با بدهی ۶،۰۲۱ تریلیون دلار یکی از مقروض ترین کشورهای جهان است. بایستی اضافه نمود که تولیدات ناخالص ملی آمریکا چیزی برابر ۹ تریلیون دلار است. این رقم بدهی همراه با کسری موازنه در بودجه کشور که رقمی برابر ۶،۳ تریلیون دلار (یعنی چیزی برابر با ۶۰ درصد تولید ناخالص ملی است) می باشد اگر متعلق به هر کشور دیگر بود با یتی اعلام ورشکستگی کامل میکرد و در واقع وضعی مشابه وضع ارژانتین پیدا میکرد. در اینجا این سؤال پیش میاید که چرا دلار علیرغم وضع نابسامان اقتصادی آمریکا همچنان قوی ترین پول جهان است؟ واقعیت اینست که دلار آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم با از میدان بدر کردن پوند انگلستان تبدیل به پول جهانی برای خرید نفت و لذا به عنوان ذخیره از طرف کشورهای جهان انتخاب گردید. از آن جایی که آمریکا یکی از وارد کنندگان نفت و یکی از کشورهای است که بیشترین مقدار نفت را وارد میکند، در سال ۱۹۷۳ برای قبول نمودن کارتل اوپک قراردادی با عربستان سعودی امضاء نمود. طبق این قرارداد کشورهای صادر کننده نفت میباید وجه دریافتی از فروش نفت را در آمریکا سرمایه گذاری کرده یا اینکه این وجه را به صورت سپرده در بانکهای آمریکا واگذار کنند. آمریکا هر ساله بیلیونها دلار بخاطر نیاز کشورهای جهان به خرید نفت چاپ میکند. درین رابطه س ک هنری لیو در مقاله ای تحت عنوان "هژمونی دلار آمریکا بایستی از بین برود" مینوسد:

در حال حاضر تجارت جهانی مثل یک بازی است که طی این بازی آمریکا دلار تولید میکند و دیگر کشورهای جهان کالایی که قادر به خریداری اند. تجارت اقتصادهای در هم تنیده شده جهان نه برای بدست آوردن ارزشهای قابل مقایسه که برای رقابت در صادر کردن هرچه بیشتر کالاهای خود در مقابل دلار است. و همچنین برای بدست آوردن دلارهایی هرچه بیشتر به منظور پرداخت بدهیهای خود یا ذخیره آن برای پشتیبانی ارزش رایج مملکت خود است. علاوه بر این بانکهای مرکزی کشورهای جهان برای جلوگیری از حمله های احتمالی دلالت پول یا سقوط ارزش کشورهای خود می بایستی معادل ارزش رایج در کشور خود، دلار آمریکایی خریداری و ذخیره نمایند. توازن ذخیره دلار نسبت به ارزش رایج در یک کشور رابطه ای مستقیم با فشارهای وارده از طرف بازار برای پایین آوردن ارزش کشور دارد. بدین ترتیب هر چه فشار بازار برای پایین آوردن ارزش کشور بیشتر شود بانک مرکزی آن کشور برای ثابت نگه داشتن ارزش کشور مجبور است که مقدار بیشتری دلار تهیه و ذخیره نماید. گسترش نقاضای دلار

باعث می شود که ارزش دلار بالا رود و این مکانیزم به طور طبیعی خود باعث قوی شدن قیمت دلار می گردد. این عمل چیزی نیست جز هژمونی دلار که بخاطر قوی بودن و جهانی بودن قادر است محصولات کلیدی و از همه مهمتر نفت را با خود معاوضه کند. گره خوردن نفت به دلار باعث شده است که دلار توسط هر کس در هر گوشه جهان قابل قبول باشد.

بدین ترتیب دو عامل عمده باعث جهانی شدن دلار شده است. این دو عامل همانطوریکه توضیح داده شد عبارتند از: ۱- گره خوردن نفت با دلار در حال حاضر تنها پولی که با آن میتوان نفت (این منبع انرژی جهان) را خریداری کرد، دلار است. بدین ترتیب که دولتهای جهان تنها مجبورند برای خرید نفت از دلار استفاده نمایند. دولتهای واردکننده نفت میبایستی دلار مورد احتیاج خود را یا از طریق صادر کردن کالا یا منابع طبیعی خود به سایرکشورهای جهان تهیه نمایند.

۲- تهیه ذخیره دلار بعنوان پشتیبانی از سقوط ارز داخلی کشور از آنجاکه دلار ارزی بین المللی و توسط هرکس و هر در جا قابل قبول است کشورهای جهان برای جلوگیری از احتکاربیا حملات احتمالی بورس بازان و دلان ارز و برای ثابت نگه داشتن ارز کشور میبایستی معادل ارز رایج مملکت دلار تهیه و ذخیره نمایند،

بنابراین ارزش دلار صرفاً بخاطر دو عامل قید شده در بالا است. در غیر اینصورت نمی توانست ارزشی بیش از مقدار کاغذ مصرف شده برای تولید آن داشته باشد. از آن جاییکه دلار تنها ارز بین المللی دنیاست که دولت امریکا بدون نیاز داخلی و بدون در نظر گرفتن مکانیزمهای قبول شده اقتصادی برای چاپ پول، صرفاً برای نیاز جهانی هر ساله به مقداری بسیار زیاد چاپ میکند و از آنجاییکه نفت با دلار گره خورده است و چون دلارهای بدست آمده از فروش نفت میبایستی در امریکا سرمایه گذاری یادر بانکهای امریکایی سپرده شوند، میتوان نتیجه گرفت که هر کالا یا مواد خامی در هر نقطه جهان تولید یا استخراج شود تا زمانی که با دلار گره خورده باشد، در واقع متعلق به دولت امریکاست و یا میتوان گفت که امریکا ماهیتاً صاحب نفت جهان یا هر کالا یا مواد خامی است که با دلار معامله میشود.

حالا که تا حدودی نقش دلار در بازارهای جهان و رابطه آن با نفت مشخص شد برگردیم به سؤال اصلی یعنی همانا جنگ امریکا در عراق ؛ اولین سؤالی که به ذهن خطور میکند اینست که جنگ امریکا با عراق و اشغال این کشور، کشتن هزاران انسان بی گناه و نابود کردن زیربنای اقتصادی کشور عراق چه ربطی با دلار دارد؟ یا سقوط دلار چه ربطی با جنگ عراق یا دولت عراق دارد؟ جواب این سؤال و سؤالهای مشابه با اینها درین واقعیت نهفته است که رژیم عراق یا بهتر بگویم صدام حسین در اواخر سال ۲۰۰۰ دست به اقدامی بیسابقه زد و تصمیم گرفت که رابطه نفت عراق از دلار را به یورو اروپا تغییر دهد. متعاقباً رژیم عراق تصمیم گرفت که ذخایر ارزی خود و همچنین ارزهای بدست آمده از فروش نفت برای غذا که در حساب سازمان ملل واریز میشد را هم به یورو تبدیل نماید. این عمل بخودی خود میتواند خیلی کوچک و شاید هم بی ارزش باشد ولی برای هیبت حاکمه امریکا و سرمایه داران امریکایی که رابطه دلار با نفت را میفهمند و به این مسئله واقفند که اگر دیگر کشورهای صادر کننده نفت عمل عراق را سرلوحه کار خود قرار دهند و برای رونق دولت صدام حسین رفت، این عمل چه اثرات مخربی برای اقتصاد امریکا خواهد داشت. این اقدام دولت عراق یکی از عواملی بود که باعث شد که دولت بوش هیچ وقت حاضر نشود تحریم اقتصادی عراق را کاهش دهد. نا گفته نماند که زمانی که دولت عراق دست به این اقدام زد کارشناسان اقتصادی حدس میزدند که عراق صدها میلیون دلار ضرر خواهد کرد، زیرا زمانی که عراق دست به این عمل زد، قیمت دلار بیش از قیمت یورو بود، ولی دیری نپایید که قیمت یورو از قیمت دلار بیشتر شد بطوریکه در اواخر سال ۲۰۰۱ قیمت یورو حدود ۲۵٪ از قیمت دلار بالاتر بود و لذا دولت عراق مقدار زیادی سود هم برد.

اثر مخرب اقدام صدام برای دلار امریکا این بود که آنها میترسیدند که مبادا دیگر کشورهای صادرکننده نفت دست به اقدامی مشابه بزنند. البته بایستی خاطرنشان کرد که قیمت گزاری نفت به دلار طی یک مکانیزم بغایت پیچیده صورت میگیرد. این پیچیدگی همراه با نقش امروزین دلار در حال حاضر تبدیل دلار به یورو را تا حدودی غیر ممکن کرده است (لاقل در کوتاه مدت). سعی خواهد شد که شریطی که امکان تسریع این تعویض را میمکن میکند را بعداً بر شمریم.

برای یک لحظه تصور کنیم که کشورهای صادر کننده نفت تصمیم بگیرند که نفت خود را به یورو اروپا بفروشند. در این صورت کشورهای وارد کننده نفت می بایستی بجای خرید دلار اقدام به خرید یورو نمایند. این اقدام در حالت خیلی خوشبینانه منجر به پایین آمدن نرخ دلار تا حدود ۲۰ تا ۴۰٪ می شود. پایین آمدن نرخ دلارباعث تورم شده و نتیجتاً باعث فرار سرمایه های خارجی از این کشور خواهد شد. این به خودی خود باعث می شود که نه فقط دلار که امریکا هژمونی خود را از دست بدهد.

جا دارد که اشاره شود که ایران یکی دیگر از "قطبهای شرارت" در تابستان گذشته اعلام کرد که حاضر است نفت خود را به اروپا به یورو بفروشد، البته ایران اظهار نمود که این اقدام صرفاً جنبه اقتصادی دارد ولی واقعیت این است که دیدگاههای سیاسی هم پشت آن خوابیده است. سایت انترنتی ایران اکسپرس در ۲۳ ماه آگوست ۲۰۰۲ در مقاله تحت عنوان "مبادله نفت ایران به یورو اقدامی است اقتصادی، اما مسئله سیاسی

هم پشت آن خوابیده است" نوشت :

طبق اخبارات منابع صنعتی ایران پیشنهاد ایران برای دریافت پول فروش نفت خود به اروپا به یورو بجای دلار امریکا صرفاً جنبه اقتصادی داشته است. البته آنها بیان نمودند که مسائل سیاسی هم درین تصمیم نهفته است چرا که این اقدام ایران یک نوع انتقام گیری بخاطر قراردادن ایران در لیست "محور شرارت" توسط امریکاست. بنا به اظهارت یکی از اعضای مجلس ایران، این پیشنهاد توسط بانک مرکزی ایران در حال بررسی است و قرار است که بصورت لایحه ای برای تصویب به مجلس برده شود، با احتمال قوی از طرف مجلس تصویب خواهد شد. با در نظر گرفتن نرخ بالای یورو نسبت به دلار امکان خیلی زیاد دارد که مجلس ایران رأی مثبت باین لایحه بدهد"

علاوه بر این پیشنهاد، ایران بخش زیادی از ذخایر دلار خود را در طول سال ۲۰۰۲ در بانک مرکزی به یورو تبدیل نموده است. این اقدام ایران تا حدودی شاید راه را برای دریافت پول فروش نفت خود به یورو باز نماید. درین رابطه اخبار اقتصادی ایران در ۲۵ آگوست ۲۰۰۲ در مقاله ای تحت عنوان " ذخیره های Forex تبدیل به یورو می شود" نوشت:

محمد عباسپور، یکی از اعضای کمیسیون "توسعه" مجلس اظهار نمود که بیش از نصف داراییهای کشور در ذخیره Forex به یورو تبدیل شده است. ایشان خاطر نشان نمود که نرخ بالای یورو در برابر دلار شانس خیلی خوبی برای کشورهای آسیائی خصوصاً کشورهای صادر کننده نفت و امکان باز نمودن باب جدیدی برای مبادله بازرگانی با کشورهای اروپائی بوجود آورده است. او همچنین اضافه کرد که تسلط کامل امریکا بر سایر کشورهای جهان بخاطر برتری نرخ بالای دلار است که باعث منویلیزه کردن تجارت جهان توسط امریکا شده است. او اظهار امیدواری کرد که رقابت بین یورو و دلار امریکا باعث از بین رفتن انحصار امریکا بر تجارت جهانی شود، قدر مسلم امریکا از این اقدام ایران سخت نگران و ناراحت است. اگر ایران مسئله فروش نفت خود به یورو را در مجلس تصویب کرده و عملی نماید امکان مداخله مستقیم امریکا در ایران را یا به صورت مداخله نظامی یا کمک کردن به نیروهای ارتجاعی مانند سلطنت طلبان ویا دیگر سر سپردگان افزایش خواهد داد. عضو سوم "محور شرارت" کره شمالی هم در اواخر سال جاری تصمیم گرفت که کلیه تجارت خارجی خود را از دلار به یورو تبدیل نماید. البته کره شمالی در حال حاضر با آن وضعیت اقتصادی نابسامان خود اثر چندانی با تعویض دلار به یورو بر جای نخواهد گذاشت اما این خود نشان دهنده ترندی است که در حال گسترش است.

قابل ذکر است که دولت چاوز در ونزوئلا حدود یکسال قبل از وقوع کودتای پارسال درین کشور اظهار تمایل نمود که حاضر است نفت خود را به یورو بفروشد و از آنجائیکه امریکا عمده ترین وارد کننده نفت ونزوئلاست، پرواضح بود که این اقدام غیر قابل قبول برای امریکایا بشمار میرفت و میشود گفت که این اظهار علاقه همراه با اقدامات دیگر چاوز، بخصوص کم کردن سهام غارتگران شرکتهای نفتی امریکائی عواملی بودند که امریکا را وادار به کودتای نافرجام پارسال درین کشور نمود. هر چند کودتای امریکائی بر علیه دولت چاوز به شکست انجامید ولی واقعیت اینست که امریکا به عناوین مختلف سعی در تعویض چاوز و جایگزینی او توسط شخصی مناسب بوده و خواهد بود.

یکی از اقدامات اولیه امریکا در عراق بر گرداندن فروش نفت عراق از یورو به دلار است. امریکا با حمله نظامی به کشور عراق و سرنگونی حکومت صدام و تعویض دو باره یورو به دلار در برابر فروش نفت عراق می تواند مسئله تعویض دلار به یورو را برای مدتی به تعویق بیندازد ولی واقعیت اینست که امروزه یورو یک واقعیت زمینی است و هیچ نیروئی قادر به متوقف کردن آن نیست، چرا که یورو از همه جنبه ها از دلار با ارزش تر و هسته اصلی کشورهای تشکیل دهنده اتحاد اروپا هم از نظر اقتصادی و هم از نظر صنعتی از امریکا عقب تر نیستند. عواملی که می تواند مسئله جهانی شدن یورو را تسریع نماید عبارتند از:

۱- وارد شدن انگلستان و نروژ به جرگه کشورهای پذیرنده واحد پولی یورو

وارد شدن این دو کشور به جرگه کشورهای تشکیل دهنده یورو اهمیتی فوق لاده برای یورو خواهد داشت چرا که این دو کشور خود صادرکننده نفت هستند. و خیلی طبیعی است که نفت خود را به یورو و نه دلار بفروشند. این اقدام باعث می شود که دیگر کشورهای صادر کننده نفت اقدام این دو کشور را سر لوحه قرار داده و نفت خود را به یورو وابسته کنند.

۲- وارد شدن نروژ به جرگه کشورهای پذیرنده واحد پولی یورو

وارد شدن نروژ تا حدودی وابسته به رأی مثبت سوئد در پائیز امسال است. در واقع یک رأی مثبت در سوئد می تواند بر افکار عمومی نه فقط نروژ بلکه دانمارک هم اثر بگذارد علیرغم اینکه نروژ جز کشورهای اتحادیه اروپا نیست ولی این کشور تمامی مسائل اقتصادی خود را با نرمهای اتحادیه اروپا بخاطر عضو بودن در EEA وفق داده است. وارد شدن نروژ به اتحادیه اروپا و قبول یورو توسط این کشور، انگلستان را تا حدودی وادار می کند که پروسه قبول یورو را تسریع نماید.

۳- وارد شدن ۱۰ عضو جدید در اتحادیه اروپا

با وارد شدن ۱۰ کشور از اروپا شرقی به جرگه کشورهای اروپائی، این اتحادیه جمعیتی معادل بیش از ۴۵۰ میلیون نفر خواهد داشت که تا

تقریباً حدودی ۲ برابر جمعیت امریکا خواهد بود. واردات نفت این اتحادیه در آن صورت حدود ۳۳٪ بیشتر از واردات نفت امریکا خواهد بود یعنی بزرگترین وارد کننده نفت در جهان.

علاوه بر این اتحادیه اروپائی دارای تولیدات ناخالص ملی بیش از امریکا خواهد بود، این فاکتورها بعلاوه موقعیت اقتصادی بهترازوپا این امکان را بوجود خواهد آورد که بخش زیادی از کشورهای صادرکننده نفت رابطه نفت - دلار را به نفع رابطه نفت - یورو تغییر دهند. این مسئله باعث می شود که کشورهای زیادی از جمله کشورهای وارد کننده نفت دست به تهیه یورو برای خرید نفت و ذخیره مالی بزنند چراکه در این صورت این تنها دلار نیست که قادر به خرید نفت است بلکه با رقیب آن یورو هم می توان این کالای حیاتی را خریداری کرد. چنانچه این فاکتورهای صورت گیرند می توان دو سناریو را برای دلار پیش بینی کرد:

۱- تقسیم بازار جهانی بین یورو و دلار

درین صورت دلار سقوط کرده و جای واقعی خود را با قیمت واقعی، مبنی بر اقتصاد امریکا پیدا خواهد کرد. این خود تا حدود زیادی بضرر سلطه امریکاست ولی این کشور می تواند هنوز تا حدود زیادی سرکردگی خود را در سطح جهان نگه دارد.

۲- یورو جای دلار را بعنوان پول بین المللی خواهد گرفت

با این صورت و با ارتقاء این سناریو، دلار سقوط زیادی کرده و باعث بحرانهای اقتصادی در امریکا شده، شرکت های بزرگ، سهام خود را در بورسهای امریکا می فروشند و سرمایه های خود را از امریکا به اروپا یا دیگر نقاط جهان انتقال می دهند. با در نظر گرفتن وضع اقتصادی نا بسامان امریکا با کسری موازنه سرسام آور و بدهی غیر قابل تصور می توان چنان نتیجه گرفت که همان سناریویی که بعد از جنگ جهانی دوم دلار برای پوند انگلستان بوجود آورد، یوروی اروپا برای دلار امریکا بوجود خواهد آورد و سلطه دلار بعنوان پول جهانی و همچنین سلطه امریکا را بعنوان پر قدرت ترین کشور جهان از بین خواهد برد. این سناریو اگر صورت گیرد به معنی پایان کامل سلطه امریکا در سطح جهان خواهد بود.

اقداماتی که دولت امریکا بعد از اشغال عراق انجام خواهد داد عبارتند از:

۱- فروش نفت عراق را از یورو به دلار برخواهد گرداند

۲- ذخیره های ارزی عراق از یورو به دلار تبدیل خواهد کرد

در پایان می توان گفت که اشغال نظامی عراق توسط امریکا و سرنگونی حکومت دیکتاتوری صدام، ممکن است که کشورهای صادر کننده نفت را از ترس سرنوشتی مشابه دچار تزلزل کرده و پروژه تغییر دلار به یورو را به آینده ای نا معلوم بسپارند، این سناریویی است مورد علاقه امریکا و می توان گفت که امریکا به نتیجه مطلوب خود رسیده است. اشغال عراق توسط امریکا امکان دارد که عمل تغییر دلار به یورو را تسریع بخشد، در حال حاضر این سناریو در کوتاه مدت بعید به نظر میرسد. بهر حال امریکا عراق را اشغال کرد و حکومت عراق را سرنگون نمود و با این کار خیلی آسان فروش نفت از یورو را به دلار بر میگردد ولی این اقدامی است موقت چراکه یورو واقعی است انکارناپذیر و همه فاکتورهای جهانی شدن را با خود حمل میکند، پروژه یورو مدت هاست که شروع شده و قدرت نظامی امریکا قادر به متوقف کردن آن نیست. دیر یا زود یورو می رود که جای دلار را همانطوری که دلار جای پوند را اشغال کرد، بگیرد. امریکا جنگ با عراق را برد ولی جنگ واقعی، جنگ بر علیه سلطه مالی امریکا و جنگ بین دلار و یورو تازه شروع شده است.

در هم شکستن کارتل اوپک

سازمان اوپک در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ با شرکت نمایندگانی از کشورهای عراق، ایران، کویت، عربستان سعودی، و ونزوئلا در شهر بغداد تشکیل گردید. متعاقباً کشورهای قطر در سال ۱۹۶۱، اندونزی در سال ۱۹۶۲، لیبی در سال ۱۹۶۲، امارات متحد عرب در سال ۱۹۶۷، الجزایر در سال ۱۹۶۹، نیجریه در سال ۱۹۷۱، اکوادور در سال ۱۹۷۳ (این کشور در سال ۱۹۹۲ از اوپک خارج شد)، و گابن در سال ۱۹۷۳ (نه عنوان عضو کامل) به این سازمان پیوستند. اوپک با هدف اصلی همکاری بین کشورهای تولید کننده نفت و سیاست قیمت گذاری و همچنین سیاست سهمیه گذاری تولید نفت بیان گردید. در حال حاضر اوپک با ذخایر نفتی برابر ۷۷ در صد ۴۰ در صد از تولیدات مورد نیاز نفت جهان را طبق سهمیه گذاری که این سازمان برای کشورهای عضو تعیین کرده اند، تامین می نماید. تولید نفت جهان در حال حاضر چیزی برابر ۸۰ میلیون بشکه در روز است که از این مقدار حدود ۵۰ میلیون توسط کشورهای اوپک تولید میگردد. عراق که دومین کشور با ذخیره های عظیم نفتی است هیچ وقت تولید این کشور متناسب با ذخایر این کشور (به خصوص بعد از جنگ ۱۹۹۱ و تحریم های اقتصادی بر علیه این کشور)، نبوده است. صادرات کشورهای عضو اوپک طبق آمارهای ۲۰۰۱ به قرار زیر بوده است:

کشور	۱۰۰۰ بشکه در روز
الجزایر	۷۷۶،۶

اندونزی	۱۲۱۴،۲
ایران	۳۵۷۲
عراق	۲۵۹۳،۷
کویت	۱۹۴۷
لیبی	۱۳۲۳،۵
قطر	۶۳۲،۹
عربستان سعودی	۷۸۸۸،۹
امارات متحد عرب	۲۱۱۴،۲
ونزوئلا	۲۷۹۱،۹

عراق بعد از جنگ ۱۹۹۱ و در طول ۵ سال که حق صدور نفت را داشت توانست چیزی برابر با ۶۰ بیلیون بشکه نفت را تحت برنامه نفت برای غذا صادر نماید. این مقدار برابر با حدود ۱۰۲ بیلیون بشکه در سال است. یکی از اقداماتی که امریکا بعد از سروسامان دادن وضع فعلی صورت خواهد داد همانا اضافه کردن سهمیه تولید نفت عراق خواهد بود. امریکا برای باز سازی عراق و برای جبران خساراتی که از جنگ دیده و برای هرچه بیشتر به تاراج بردن سرمایه ملی عراق دست به تولید بیرویه نفت خواهد زد. تولید اضافه بر سهمیه تعیین شده توسط اوپک باعث زیر پا گذاشتن سهمیه بندی اوپک می شود. قصد امریکا از استخراج بیرویه نفت عراق چیست و چه هدفی را از این کار دنبال می کند؟ با در نظر گرفتن پارامترهای بالا می توان نتیجه گرفت که امریکا دو هدف عمده از این کار دنبال می کند:

۱- از بین بردن اوپک

یکی از مسائل استراتژیک اوپک پایین نگه داشتن سقف تولید نفت برای بالا نگه داشتن قیمت آن است. تصور کنید که امریکا بجای ۲،۵ میلیون بشکه سهمیه عراق دست به تولید دو برابر یا بیشتر این رقم بزند، درین صورت دیگر کشورهای عضو اوپک بخاطر پایین نگه داشتن سقف تولید می بایستی به همان اندازه از سهمیه خود بکاهند. سؤال این است که کدام یک از کشورهای عضو حاضر است از سهمیه خود بکاهد؟ با در نظر گرفتن اینکه عراق دومین کشور جهان از نظر ذخایر نفت است، امریکا ممکن است بیشتر از ۵ میلیون بشکه نفت در روز تولید نماید که درین صورت هیچ کدام از کشورهای اوپک حاضر به کاهش سهمیه خود برای نگه داشتن بالای قیمت نیستند و این مسئله خود باعث از بین رفتن اوپک خواهد شد. هدف امریکا از این کار برای از بین بردن تهدیداتی که ممکن است در آینده توسط این کارتل برای تغییر معادله نفت - دلار به معادله نفت - یورو صورت گیرد. چراکه در آن صورت امریکا به خوبی می تواند جلوی هر کدام از کشورهای تولید کننده نفت که تمایلی به تبدیل فروش نفت خود به یورو داشته باشد بایستد.

۲- پایین آوردن قیمت نفت

تولید بیرویه نفت عراق باعث اشباع شدن بازارهای جهان شده که این عمل خود سقوط قیمت نفت را دنبال خواهد داشت. هدف امریکا از این کار در راستای از بین بردن اوپک بعنوان یک تشکل واحد در حلقه اول و پایان دادن به تحدیدهای احتمالی که امکان دارد از طرف اوپک برای دلار صورت گیرد. البته این عمل امریکا می تواند با عکس العمل اوپک بخصوص از طرف ایران و ونزوئلا روبرو گردد. این عمل این امکان را بدست میدهد که ایران و ونزوئلا برنامه تغییر فروش نفت خود را از دلار به یورو سرعت بخشند، و اقدام آنها سر مشقی برای دیگر کشورهای صادر کننده نفت شود که درین صورت نقشه امریکا نقش برآب شده و به عکس خود تبدیل می شود. ولی باید دید که اوپک چگونه به اقدام امریکا برای تولید بیرویه نفت عراق پاسخ خواهد داد.

البته نقش مردم عراق و هوشیاری و عکس العمل آنها در در برابر اشغالگران امریکائی و انگلیسی خیلی مهم می باشد. اگر مردم عراق و نیروهای مترقی و مردمی این کشور پی به نقشه های غارتگرانه امریکا ببرند و یک صدا بر علیه این اشغالگران بلند شوند و نقشه های امریکا مبنی بر تولید بیرویه نفت عراق را نقش بر آب خواهد کرد. درین صورت امریکا قادر خواهد بود و می باید فقط دل به یکی از نقشه های خود یعنی بر گرداندن معادله نفت - دلار به جای نفت - یورو و تبدیل ذخایرهای عراق از یورو به دلار خوش نماید. البته این فاکتور هم خود بستگی به حکومت آینده عراق دارد، اگر این حکومتی سر سپرده باشد که بدون اجازه امریکا کاری انجام ندهد امریکا می تواند خیالش تا مدتها ازین مشکل راحت باشد. اما واقعیت این است که ممکن است مردم آگاه عراق دست امریکا را درین مسئله هم باز نگذارند. تا حدودی می توان گفت که عکس العمل مردم عراق درباره اشغالگری امریکا و انگلستان برای حرکتیهای آینده این اشغالگران خیلی مهم است، اگر مردم عراق مشکلات بسیاری برای آنها بوجود آورند، وزیر بار شرایط ننگین آنها برای چپاول ذخایرنفتی عراق نشوند و نگذارند که نقشه های غارتگرانه خود را پیاده کنند، می تواند گفت که حرکتیها و نقشه های آینده آنها را نه فقط برای عراق که کل منطقه و شاید بتوان گفت کل جهان نقش بر آب خواهد

شد.

جهت نوشتن مقاله فوق از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱- " ذخیره‌های Forex تبدیل به یورو می شود" اخبار اقتصادی ایران ۲۵ آگوست ۲۰۰۲
- ۲- س ک هنری ليو "هژمونی دلار امریکا بایستی از بین برود" تایمز آسیا، آوریل ۲۰۰۲
- ۳- "مبادله نفت ایران به یورو اقدامی است اقتصادی، اما مسئله سیاسی هم پشت آن خوابیده است" سایت اینترنتی ایران اکسپرس در ۲۳ ماه آگوست ۲۰۰۲
- ۴- ک س هنری ليو "اقتصاد یک امپراتور" تایمز آسیا، آگوست ۲۰۰۲
- ۵- "حمله دلار بیمار به یورو در جنگ عراق" جتوفری هیبرد سایت اینترنتی گولو فیوچر
- ۶- گیووانی اریغی "بازار جهانی" ماهنامه تحقیقی سیستم جهانی، ۱۹۹۹
- ۷- ریچارد پورتنز و هلن ری "یورو بر علیه دلار"، اقتصاد سیاسی، چاپ لندن آوریل ۱۹۹۸

رحیم عابدین زاد

hedaz@yahoo.com